



Research Paper

Investigating the Demographic Factors Influencing Students' Political Orientations During 2017–2021: The Case of Ahvaz County

Maryam Rahdarzadeh ¹, Hasan Kheiri ^{*2}, Bahram Nikbakhsh³

1 PhD Student, Department of Sociology, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

2 Department of Sociology, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

3 Assistant Professor, Department of Sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Keywords

Political orientations,
demographic factors,
students, ethnicity.



A B S T R A C T

The present study was conducted to investigate the demographic factors influencing students' political orientations in Ahvaz County from 2017 to 2021. This descriptive-analytical research examined the role of variables such as age, gender, ethnicity, employment status, level of education, and income in relation to three major political orientation spectra, namely reformism, moderation, and conservatism. The statistical population consisted of students from Ahvaz Islamic Azad University, Shahid Chamran University of Ahvaz, and Ahvaz Payame Noor University, with a total estimated at approximately 19,500. Using Cochran's formula, the sample size was determined to be 384 participants. Sampling was conducted through proportionate cluster sampling, followed by random selection of individuals within each cluster. The questionnaire included background information such as age, gender, education, income, employment, and ethnicity, as well as items measuring students' political orientations. The reliability of the instrument was assessed using Cronbach's alpha, and the results indicated satisfactory internal consistency for the three dimensions of conservatism (0.81), moderation (0.79), and reformism (0.90). Data analysis was performed using SPSS version 22. The findings showed that the student population under study was highly diverse in terms of demographic characteristics. Inferential results revealed that age was not significantly related to political orientations; however, gender, ethnicity, and socio-economic status indicators, including education, occupation, and income, had significant effects on political orientations. Women showed greater tendencies toward reformism and moderation, while individuals with higher income demonstrated stronger inclinations toward conservatism. In addition, ethnicity and educational level played significant roles in shaping students' political preferences. Overall, the results suggest that students' political orientations are primarily influenced by socio-economic, cultural, and educational factors, and that the region's demographic diversity plays an important role in shaping these patterns.

*Corresponding Author: Hasan Kheiri

Email Address: 6229876930@iau.ir

Rahdarzadeh, M, Kheiri, H and Nikbakhsh, B. (2026). Investigating the Demographic Factors Influencing Students' Political Orientations During 2017–2021: The Case of Ahvaz County. *Human Ecology*, 5(14), 2141-2155.



DOI: <https://doi.org/10.22034/he.2026.563822.1173>



مقاله پژوهشی

بررسی عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر گرایشات سیاسی دانشجویان طی سال‌های ۱۳۹۶ - ۱۴۰۰ (مطالعه موردی شهرستان اهواز)

مریم راهدارزاده^۱ حسن خیری^{۲*} بهرام نیکبخش^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

^۲ گروه جامعه شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

^۳ استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

واژگان کلیدی

گرایشات سیاسی، عوامل
جمعیت‌شناختی،
دانشجویان، پایگاه
اجتماعی، قومیت.

اسکن کنید



چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر گرایشات سیاسی دانشجویان شهرستان اهواز طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ انجام شد. این مطالعه توصیفی-تحلیلی با تمرکز بر نقش متغیرهای سن، جنسیت، قومیت، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات و درآمد، سه طیف اصلی گرایشات سیاسی شامل اصلاح‌طلبی، اعتدال‌گرایی و اصول‌گرایی را مورد ارزیابی قرار داد. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه پیام نور اهواز است که تعداد آن‌ها حدود ۱۹۵۰۰ نفر برآورد می‌شود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای متناسب با حجم و سپس انتخاب تصادفی افراد در هر خوشه صورت گرفت. پرسشنامه شامل اطلاعات زمینه‌ای مانند سن، جنس، تحصیلات، درآمد، اشتغال و قومیت و نیز گویه‌های مربوط به سنجش گرایشات سیاسی دانشجویان بود. پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی شد که نتایج آن برای سه بعد اصول‌گرایی (۰.۸۱)، اعتدال‌گرایی (۰.۷۹) و اصلاح‌طلبی (۰.۹۰) نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب پرسشنامه است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS22 استفاده شد. نتایج نشان داد جامعه دانشجویی مورد بررسی از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بسیار متنوع است. یافته‌های استنباطی حاکی از آن بود که سن رابطه معناداری با گرایشات سیاسی ندارد، اما جنسیت، قومیت و شاخص اجتماعی-اقتصادی (شامل تحصیلات، شغل و درآمد) تأثیر معناداری بر جهت‌گیری‌های سیاسی دارند. زنان گرایش بیشتری به اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی، در حالی که افراد با درآمد بالاتر گرایش بیشتری به اصول‌گرایی داشتند. همچنین قومیت و سطح تحصیلات به‌طور قابل توجهی در تمایلات سیاسی دانشجویان نقش‌آفرین بودند. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که گرایشات سیاسی دانشجویان بیش از هر عامل دیگری تحت تأثیر مجموعه‌ای از مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و تحصیلی است و تنوع جمعیت‌شناختی منطقه نقش مهمی در شکل‌گیری این الگوها دارد.

۱. مقدمه

گرایش‌های سیاسی بر تصمیمات گروهی و فردی تأثیر گذار است. شهرهایی که دارای دفتر فعال حزبی در موقعیت مکانی خود هستند، شهروندان از مسئولیت اجتماعی و سیاسی برخوردار بوده و خواهان مشارکت سیاسی بیشتری هستند. افراد ساکن در مناطقی که گرایش‌های عمده آنان دموکرات است، احتمالاً با نوع نگاه قومیت گرایی کمتری در انتخابات مشارکت می‌نمایند (چها، بودریاکس و بوناچه، ۲۰۱۸). گرایش‌های سیاسی، چهارچوبی از افکار و شیوه عمل است که خیر عمومی بدان صورت که اراده عمومی تفسیر می‌کند، در آن نهفته است (شهریاری، ۹۳). گروه‌های اولیه و اجتماعی منبع تصمیم‌گیری‌های سیاسی هستند و تأثیر زیادی بر گرایش و فعالیت سیاسی افراد به جای می‌گذارند (وربا، ۹۵). در دنیای مدرن که با گسترش مردم سالاری در تمام نقاط دنیا اهمیت روزافزونی یافته است، این مفهوم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی از ناحیه موضوعی قابل اهمیت است.

مطالعات رفتار سیاسی نشان داده‌اند که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی همچون سن، جنسیت، قومیت، وضعیت اقتصادی و تحصیلات از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های گرایش‌های سیاسی افراد محسوب می‌شوند. پژوهش‌های کلاسیک در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بیان می‌کنند که سن نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی دارد؛ بدین معنا که جوانان نسبت به بزرگسالان الگوهای متفاوتی در مشارکت، تمایلات سیاسی و گرایش‌های ارزشی نشان می‌دهند. یافته‌های دالتون (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که جمعیت جوان، به‌ویژه دانشجویان، معمولاً گرایش‌هایی پویاتر و انعطاف‌پذیرتر داشته و بیشتر تحت تأثیر محیط دانشگاهی، شبکه‌های اجتماعی و تعاملات آموزشی قرار می‌گیرند (Dalton, 2014).

جنسیت نیز یکی از عوامل جمعیت‌شناختی اثرگذار بر گرایش‌های سیاسی دانشجویان است. مطالعات نشان داده‌اند که تفاوت‌های جنسیتی در نگرش‌های سیاسی عمدتاً ریشه در تجربه‌های اجتماعی، نقش‌های جنسیتی و شیوه‌های جامعه‌پذیری دارد. مطابق یافته‌های ورلن (۲۰۱۵)، زنان و مردان در محیط‌های دانشگاهی ممکن است اولویت‌ها، حساسیت‌های سیاسی و الگوهای مشارکت متفاوتی داشته باشند؛ این تفاوت‌ها در بسیاری از کشورها و گروه‌های سنی قابل مشاهده است (Verba, Schlozman & Burns, 2015).

از دیگر عوامل مهم، قومیت و تعلق فرهنگی است. تحقیقات بین‌فرهنگی نشان می‌دهد که وابستگی‌های قومی و هویتی می‌توانند بر برداشت افراد از مسائل سیاسی، اعتماد سیاسی و نوع مشارکت آن‌ها تأثیر بگذارند. پژوهش آندرسون و پاسکوال (۲۰۱۸) بیان می‌کند که هویت قومی، احساس تعلق و تجربه زیسته در گروه‌های مختلف می‌تواند باعث تفاوت در تمایلات سیاسی و الگوهای مشارکت شود، به‌خصوص در جوامعی که از تنوع فرهنگی برخوردارند (Anderson & Paskeviciute, 2018).

وضعیت اقتصادی و اشتغال نیز از عوامل تعیین‌کننده رفتار سیاسی دانشجویان شناخته می‌شود. یافته‌های اینس و (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که سطح درآمد، احساس امنیت اقتصادی و چشم‌انداز شغلی، نقش مهمی در شکل‌گیری برداشت‌های سیاسی و نگرش نسبت به سیاست‌گذاری‌های عمومی دارد. بر اساس این مطالعه، دانشجویانی که با فشارهای اقتصادی مواجه‌اند یا چشم‌انداز شغلی مبهمی دارند، معمولاً تمایلات سیاسی متفاوتی نسبت به دانشجویانی با وضعیت اقتصادی بهتر نشان می‌دهند (Inglehart & Welzel, 2020).

در نهایت، سطح تحصیلات و رشته تحصیلی نیز از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های گرایش‌های سیاسی افراد به‌ویژه دانشجویان محسوب می‌شود. محیط دانشگاه به‌عنوان یک فضای اجتماعی - آموزشی، تأثیر مستقیمی بر توسعه تفکر انتقادی، آگاهی سیاسی و نگرش‌های مدنی دارد. پژوهش نیومن و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که افزایش سطح تحصیلات معمولاً با مشارکت سیاسی بالاتر، آگاهی سیاسی بیشتر و نگرش‌های ساخت‌یافته‌تر همراه است (Newman, Johnston & Lown, 2018).

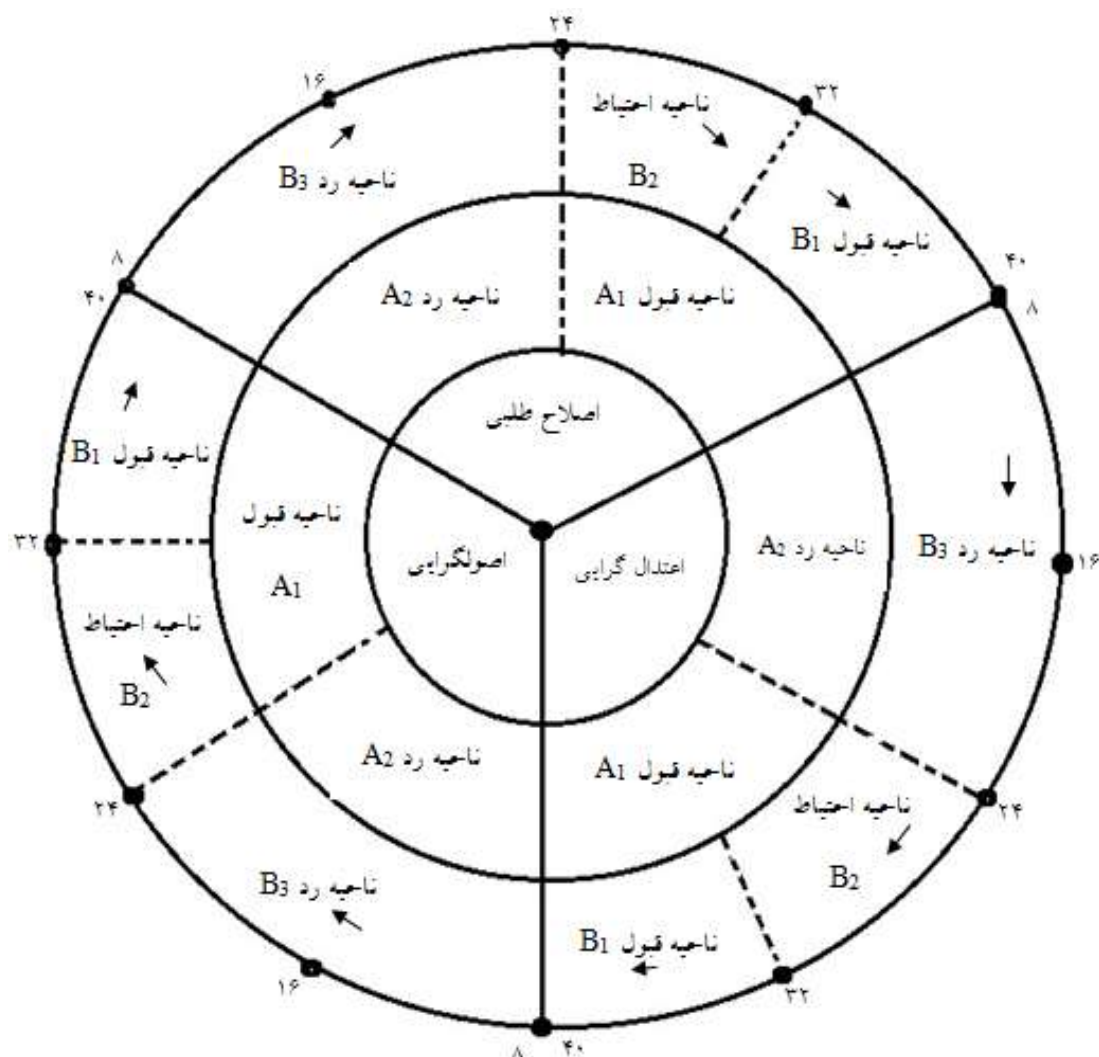
۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲. گرایش‌های سیاسی

تحقیق در مورد گرایش‌های سیاسی افراد یکی از رسالت‌های جامعه‌شناسی سیاسی می‌باشد. برخی از محققین انگیزه‌های پنهان در رفتارهای سیاسی از قبیل رفتار رای‌دهی و فعالیت در مسائل سیاسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. هرچند برخی تحقیقات در مورد گرایش‌های سیاسی گویای این مساله است که فقط تعداد کمی از شهروندان تمایل به بروز گرایش‌های سیاسی خود ندارند (میلبراث، ۱۹۸۱: ۲۱). اما مکتب واقع‌گرایی بیان می‌کند که عدم بیان آشکار علایق سیاسی مردم می‌تواند برای جامعه مضر باشد (شومپتر، ۱۹۴۳). برگستروم نیز بر طبقه‌بندی افراد بر حسب گرایش‌های سیاسی اشاره می‌کند. وی در پی شناخت انگیزه و گرایش‌های افراد برای فعالیت‌های سیاسی با تکیه بر سبک زندگی است (پرچمی، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۲).

چارلز اف آندری (۷۹) در کتاب زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی، سیاست را سلسله عملیاتی می‌داند که تصمیمات الزامی از طریق آن در خصوص جامعه صورت می‌پذیرد. وی سیاست را سلسله عملیاتی می‌داند که از طریق آن‌ها تصمیمات الزامی مربوط به جامعه طرح و اجرا می‌گردد.

اما مبحثی که در دنیای کنونی به طور وافر اهمیت است، بحث گرایش‌های سیاسی است که امروزه با گسترش مردم سالاری در تمام نقاط دنیا اهمیت روزافزونی یافته است. این مفهوم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی از ناحیه مردم به عنوان ذی حقان عرصه تصمیم‌گیری، امری شایان اهمیت است (آندریس، ۷۹، به نقل از شهرپاری، ۷۰: ۱۳۹۳). در همین راستا قطب‌سنجی مرتبط با متغیر وابسته گرایش‌های سیاسی به شرح ذیل تعیین گردید.



شکل ۱. قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی (منبع: نیک‌بخش و همکاران، ۱۳۹۸).

مطابق نمودار اصطلاحات مربوط به قطب‌نمای گرایش‌سنجی سیاسی به شرح ذیل می‌باشد:

GR (گرایش اصلاح طلبی) = $A1+r$ یا $B1+T1$

GM (گرایش اعتدال‌گرایی) = $A1+m$ یا $B1+T2$

GO (گرایش محافظه‌کاری) = $A1+o$ یا $B1+T3$

GG (گرایش غالب سیاسی) = GR, GM, GO

در این معادله منظور از اصطلاحات، r, m, o به ترتیب عبارت است از: انتخاب یکی از کاندیدای انتخاباتی با گرایش اصولگرایی، اعتدال‌گرایی و اصلاح طلبی. همچنین منظور از نقاط $T1, T2, T3$ عبارت است از: عدم انتخاب گزینه انتخاباتی در بین همان طیف سیاسی بنا به دلایل مختلف و در گزینه GG گرایش غالب سیاسی بر حسب بیشترین امتیاز در بین سه طیف محاسبه می‌گردد.

لازم به ذکر است، جهت سنجش گرایش‌های واقعی سیاسی شهروندان در هر سه طیف فکری، مطابق با نمودار قطب‌نمای تعیین گرایش‌های سیاسی بر حسب سنج‌های ارایه شده، تدوین گردیده است. بدین صورت که برای هر طیف فکری بصورت جداگانه ۸ سوال یا سنج تدارک دیده شده است. که حداقل و حداکثر امتیازات به ترتیب ۸ و ۴۰ می‌باشد. بنابراین در صورت کسب حداقل نمره ۲۴ و انتخاب یکی از کاندیدای

مربوط به همان طیف، گرایش سیاسی مربوط به آن طیف سیاسی تعیین و انتخاب می گردد. همچنین در صورت عدم مشارکت فردی در انتخابات، رای سفید و یا انتخاب گزینه دیگری از طیف مخالف، در صورت کسب نمره بین ۳۲ الی ۴۰ در آن طیف فکری، مبنای گرایش انتخاب همان طیف خواهد بود. بنابراین گرایش سیاسی هر شخص مربوط به همان طیفی خواهد بود که این نمره را کسب کرده باشد. در این راستا مطابق قطب نمای گرایش سنجی سیاسی، نسبت به تعیین و اولویت بندی گرایشات سیاسی شهروندان اهواز در سه طیف فکری اصلاح طلبی، اعتدال گرایی و اصول گرایی بر این اساس اقدام خواهد شد.

۲-۲. رهیافت انتخاب عقلایی

مهمترین ریشه نظریه انتخاب عقلایی، رهیافت مبتنی بر گزینش معقولانه است. آدام اسمیت اشتغال افراد به مشاغل مختلف را نتیجه منطقی تمایل افراد به مبادله می داند که منشأ آن نفع شخصی است. مفهوم مرد اقتصادی برای آنها، انسانی فرضی است که به طور منطقی و با روش کاملاً عقلانی در تعقیب منافع شخصی خود می باشد (قدیری اصلی، ۱۳۷۶: به نقل از قاضی رهبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷). که البته نفع شخصی افراد در کنار هم تشکیل دهنده منافع اجتماعی و سیاسی نیز می شود.

مهمترین ریشه درونی جامعه شناسی نظریه انتخاب عقلانی، نظریه مبادله می باشد. هومنز با تکیه بر نظریه اسکینر معتقد بود هر رفتاری که پاداش بیشتری برای فرد داشته باشد، احتمال اینکه آن رفتار از وی سر بزند بیشتر است. هومنز معتقد بود که انسان از یک سو در جستجوی حداکثر سود و از سوی دیگر در پی حداقل هزینه ها است. پیتز بلاو دیگر نظریه پرداز مکتب مبادله نیز همان قضایای هومنز را در سطح ساختارهای کلان اجتماع بررسی کرده است. نهایتاً باید گفت قضایای عام هومنز ریشه های منفعت طلبانه برای رفتار انسان حتی از حیث تعلقات و بومرنگ سیاسی قائل است.

نظریه انتخاب عقلانی بر اساس تقسیم بندی ریتزر جزء پارادایم تعریف اجتماعی محسوب می شود. ریتزر موضوع مورد مطالعه این پارادایم را آن بخش از جهان عینی خرد که به کنش و فراگردهای ذهنی می پردازد، می داند (ریتزر، ۱۳۸۰: ۶۴۵). همچنین نظریه انتخاب عقلانی را باید به نوعی نظریه کنش فردی دانست (ریتزر، ۱۳۸۰: ۶۴۶). لذا بی دلیل نیست که این نظریه را ایدئولوژی جریان های لیبرال و فرمیستی می دانند.

مطابق با دیدگاه انتخاب عقلانی آنچه باعث تعلق پذیری سیاسی می شود، برداشتی از میزان تأمین منافع با یک جهت گیری خاص سیاسی است. حاصل این نظریه آن است که رفتار سیاسی افراد را می توان به عنوان نتیجه انتخاب و گرایشات افراد که به دنبال نفع شخصی خود بودند، فهمید. بر اساس این الگو رأی دهندگان، از میان سیاست های اعلام شده، گرایش به آن کاندیدایی دارند، که تأمین کننده منافع آنان باشد. پژوهشگران این الگو معتقدند که رأی دادن یک تصمیم فردی و مستقل از پایگاه های اجتماعی و اقتصادی است. مهمترین ابزار نظریه پردازان انتخاب عقلایی، نظریه بازی ها است. نظریه بازی بیشتر با انتخاب عقلایی در ارتباط است و موجب پیشرفت و موفقیت محسوسی در نظریه کنش دسته جمعی شده است (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

نظریه انتخاب عقلایی ضمن تشخیص پیچیدگی گرایشات انسانی، تصورش بر این است که افراد به دنبال منافع فردی خود با کنش بسیار زیاد هستند (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۱۳۱). در این نظریه، مشارکت کننده، در انتخاب خود عقلانی عمل می کند. لازم به ذکر است که حوزه این رویکرد به رفتار و گرایشات رای دهنده محدود نیست، بلکه تبیین کننده هر نوع رفتار سیاسی اعم از رفتار تصمیم گیری کاندیداهای پست ریاست جمهوری است. اساس این رفتارهای سیاسی، مفهوم تصمیم یا انتخاب است. تصمیم گیرنده سیاسی در انتخاب یک گزینه باید روندهای سیاسی و اجتماعی را مد نظر قرار دهد (پالمر و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۱۰). رفتار یک مشارکت کننده سیاسی عقلایی است چون کاندیدای سیاسی را انتخاب می کند که او را با حداقل هزینه و حداکثر سودمندی، به هدفش نزدیک می نماید. در این پروسه فرد انتخابگر اطلاعات کاملی از اعتبار نامزدهای انتخاباتی را در اختیار دارد و آنها را با گرایشات خود تطبیق داده و هدفمند عمل می کند.

اولسون معتقد است که منافع عقلانی - شخصی فرد را وادار می کند که هزینه های مشارکت گروهی را در مقابل منافع فردی بسنجد (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۶). در این راستا، آنتونی داونز (۱۹۵۷) نیز در کتاب نظریه اقتصادی دموکراسی یک نظریه از فعالیت های فردی که عمدتاً محدود به فعالیتهای رأی دادن می شوند، ارایه می دهد. وی یک فرد عقلانی و محاسبه گری را معرفی می کند که به دنبال به حداکثر رسانیدن سود خود است و در سیستمی عمل می کند که در آن طیف های سیاسی برای به حداکثر رساندن رأی، فعالیت می کنند و شهروندان به طور عقلانی در این فعالیتهای سیاسی شرکت می کنند. اثبات یا ابطال نمودن این در عین آسان بودن آن مشکل به نظر می رسد. تبیین داونز این است که منافع افراد در تعیین گرایشات انتخاباتی تأثیر می گذارند؛ همچنین در این نظریه تأکید قابل ملاحظه ای بر ادراک شده، چرا که ادراکات اگر چه اساس رفتار عقلانی را تشکیل می دهند، اما آنها ممکن است درست یا نادرست باشند (قاضی رهبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۳).

۲-۳. پیشینه موضوع

نیک بخش (۱۴۰۱)، در پژوهشی تحت عنوان «مدل یابی گرایش‌های سیاسی دوگانه (اصلاح طلبی- اعتدال گرایی) بر پایه ابعاد آلتوسویی و شبکه‌ای سرمایه اجتماعی»، نشان داد که عوامل آلتوسویی و شبکه‌ای سرمایه اجتماعی بر گرایش سیاسی اصلاح طلبی و اعتدال گرایی تأثیر گذار است.

کنعانی نسب و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان «سبک زندگی و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه کرمانشاه»، به این نتایج دست یافتند که؛ نتایج پژوهش گویای این موضوع است که فردیت اعم از جنسیت، مصرف مواد مخدر و ورزش کردن بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد؛ طبقه‌ی متوسط و طبقه‌ی فرودست بیشتر دارای مشارکت سیاسی به نسبت طبقه‌ی بالای جامعه هستند. افرادی که دارای جایگاه اجتماعی بالاتر و وابستگی اجتماعی می‌باشند بیشتر از سایرین دارای مشارکت سیاسی هستند.

عنوانی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «مبانی گرایشی و نقش آن در سبک زندگی»، نشان دادند که؛ سبک زندگی صرفاً حاصل دانسته‌ها و دانش افراد نیست بلکه گرایش و عواطف از عوامل سازنده سبک زندگی محسوب می‌شود.

عالم (۱۳۹۷) در یک مقاله تحلیلی و توصیفی تحت عنوان «بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی ۵ گانه را در ایران مورد بررسی قرار داد تا شناخت روشنی از دگرگونی و ارزشهای سیاسی در ارتباط با گروهها عرصه نماید. وی در ادامه به ۳ طیف یا گرایش سیاسی در کشور اشاره دارد، که به برخی بخاطر تناسب موضوعی پرداخته می‌شود. الف) طیف رادیکال یک نوع موضع گیری با اعتقاد به حل مشکلات به کمک عقل است. یک فرد رادیکال به شدت از وضع موجود جامعه ناراضی و خواستار دگرگونی در اساس جامعه هستند. در مقابل برخی از ایستارهای این ایده اصرار دارند که دگرگونی‌ها باید تدریجی باشد به گونه‌ای که منجر به فروپاشی جامعه نگردد. ب) میانه روها مسایل موجود را می‌شناسند و سیاستهای بدیل را معقولانه ارزیابی می‌کنند، اما با وجود عقلانیت نظرشان، هرگز بر حسب واقعیت موضع نمی‌گیرند. فردی که خود را میانه رو می‌داند با گفتن این که هر دو طیف لیبرال (اصلاح طلب) و محافظه کار (اصولگرایی) نکات خوبی را مطرح می‌کنند، مخاطبان خود را راضی یا عصبانی می‌کنند. ج) اما محافظه کاران آنها را هستند که از وضع موجود کاملاً پشتیبانی می‌کنند. این دسته اغلب متهم می‌شوند که تصویری از بهتر شدن وضع موجود ندارند و پیوسته نگران از دست دادن چیزهایی هستند.

پناهی و شالچی (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان «گرایش به دموکراسی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان تهران» به منظور سنجش میزان گرایش به دموکراسی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن دست به یک تحقیق پیمایشی زدند. جمعیت نمونه پژوهش ۶۴۳ نفر از شهروندان ۲۰ سال به بالا بوده است. در این تحقیق گرایش به دموکراسی با دو بعد نگرشی و رفتاری تعریف شد.

حسین زاده و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی سبک زندگی مبتنی بر اینترنت و نقش آن بر گرایش سیاسی دانشجویان شهید چمران اهواز» با هدف بررسی تأثیر اینترنت بر گرایش سیاسی، داده‌های تحقیق با روش پیمایشی بر روی دانشجویان صورت گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که بین متغیرهای میزان استفاده از اینترنت - اثر بخشی اینترنت و اعتماد به رسانه و گرایش سیاسی دانشجویان رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

شهریاری (۱۳۹۳) در تحقیق خود تحت عنوان «تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران» نشان داد که سیاست عرصه مدیریت جامعه است و وظیفه تنظیم قواعد سیاسی را بر عهده دارد. همچنین مشخص شد که محیط مورد مطالعه دانشجویان بر گرایش‌های سیاسی آنان تأثیر گذار است، این پژوهش با روش پیمایشی بر روی ۲۶۴ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران قرار گرفت و نشان داد که بین رشته‌های مختلف تحصیلی و گرایش‌های سیاسی آنان رابطه وجود دارد.

پالیزبان (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان تمایل به گرایش‌های سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن» دریافتند که رابطه مثبت بین گرایش‌های سیاسی دانشجویان با احساس کارایی سیاسی، حساسیت سیاسی، و آگاهی سیاسی آن‌ها تأیید شده است.

کفاشی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر میزان گرایش‌های سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸» دریافتند که میزان آگاهی سیاسی دانشجویان، پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان، میزان ارتباط دانشجویان با همسالان، میزان فعالیت‌های دانشجویان در تشکلهای سیاسی- دانشگاهی، جنسیت دانشجویان، وضعیت تأهل دانشجویان، و رشته (گروه) تحصیلی دانشجویان با مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

تحقیقات اسنادی چهار، بودریاکس و بوناچه (۲۰۱۹) تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی» در آمریکا بر اساس اطلاعات و اسناد موجود در خصوص نتایج انتخابات پنج دوره اخیر ریاست جمهوری آمریکا بر حسب میزان سرمایه اجتماعی هر ایالت نشان می‌دهد که؛ گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی بر تصمیمات گروهی و فردی تأثیر می‌گذارد. آنان دریافتند که مناطقی با سرمایه اجتماعی بالا، عمدتاً به سوی حزب دموکراتیک گرایش دارند. این ارتباط مثبت در مناطقی قویتر است که از درآمد بالا و مذهب گرایی کمتری برخوردار بودند.

هدف این پژوهش بررسی این سوال بود که آیا بین سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی رابطه وجود دارد یا خیر. آیا مناطق دارای سرمایه اجتماعی بالا با حزب دموکراتیک گرایش بیشتری دارند؟ یا بطور متناوب، آنها گرایش بیشتری با حزب جمهوریخواه دارند؟ اینگار و وستوود (۲۰۱۵) کشف نمودند که در امریکا گرایش‌های سیاسی در مقایسه با گرایش‌های نژادی رواج بیشتری دارند. در این خصوص شواهد اندکی در مورد تمایلات سیاسی مبتنی بر نژاد پیدا می‌کنند. نهایتاً مطالعه این دو بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی ممکن است بر گرایش‌های سیاسی تأثیر گذارد.

ژاکوبی (۲۰۱۴) در تحقیقی تحت عنوان «گرایش‌های سیاسی شهروندان» بیان می‌کند که جهت‌گیری‌هایی در مورد آزادی، امنیت اقتصادی، ساختار اجتماعی، اخلاقیات، فردگرایی و وطن پرستی باعث خلق فرهنگ سیاسی یک جامعه می‌شود. علیرغم نوسانات معاصر در ارزش‌ها از جمله آزادی فردی در مقابل فشار و ارباب و استراق سمع از سوی دولت، ارزش‌های فردی و گرایش‌های حزبی در گذر زمان نسبتاً ثابت هستند.

۳. مواد و روش‌ها

۳-۱. روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه از نوع پیمایشی و مبتنی بر استفاده هم‌زمان از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است. در بخش نظری، مبانی و پیشینه پژوهش با روش کتابخانه‌ای و از طریق بررسی کتاب‌ها، مقالات علمی و اسناد معتبر گردآوری شد. در بخش میدانی، داده‌های اصلی با استفاده از پرسشنامه ساختارمند و بر پایه مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت جمع‌آوری گردید. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه پیام نور اهواز است که تعداد آن‌ها حدود ۱۹۵۰۰ نفر برآورد می‌شود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای متناسب با حجم و سپس انتخاب تصادفی افراد در هر خوشه صورت گرفت. پرسشنامه شامل اطلاعات زمینه‌ای مانند سن، جنس، تحصیلات، درآمد، اشتغال و قومیت و نیز گویه‌های مربوط به سنجش گرایش‌های سیاسی دانشجویان بود. علاوه بر داده‌های پیمایشی، از برخی اطلاعات اسنادی نظیر آمارهای رسمی انتخاباتی در صورت عدم محرمانگی، تنها برای مقایسه و تحلیل‌های تکمیلی استفاده شد. واحد تحلیل در این تحقیق فرد (دانشجو) است و مطالعه در سطح خرد و در میان دانشجویان ۲۲ سال به بالا در شهرستان اهواز انجام شد. روایی محتوایی پرسشنامه با نظر پنج استاد متخصص تأیید شد که در این مرحله شش گویه حذف و اصلاحاتی در متن اعمال گردید. روایی سازه با تحلیل عاملی اکتشافی مورد تأیید قرار گرفت و سه گویه با بار عاملی پایین‌تر از ۰.۳۵ حذف شدند. برای بررسی روایی ملاکی، پرسشنامه توسط افرادی با گرایش سیاسی مشخص تکمیل شد و توان تفکیک‌پذیری ابعاد سنجش‌شده تأیید گردید. پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ و روش گاتمن بررسی شد که نتایج آن برای سه بعد اصولگرایی (۰.۸۱)، اعتدال‌گرایی (۰.۷۹) و اصلاح‌طلبی (۰.۹۰) نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب پرسشنامه است. بر این اساس، پرسشنامه نهایی با ۲۷ گویه برای سنجش گرایش‌های سیاسی دانشجویان مورد استفاده قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS22 استفاده شد.

۴. یافته‌ها

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان نشان می‌دهد که از مجموع ۳۸۴ نفر شرکت‌کننده در پژوهش، ویژگی‌های عمومی آن‌ها از نظر سن، جنسیت، قومیت، وضعیت اشتغال، سطح درآمد و میزان تحصیلات دارای توزیع متنوعی بوده است. در زمینه سن پاسخگویان، داده‌ها نشان می‌دهد کمترین سن ۱۸ سال و بیشترین سن ۶۲ سال بوده است. میانگین سنی شرکت‌کنندگان حدود ۲۹.۵ سال و انحراف معیار آن برابر با ۵.۴۹ سال به دست آمد؛ این امر بیانگر آن است که توزیع سنی شرکت‌کنندگان در محدوده جوان تا میانسالی قرار دارد و بخش عمده‌ای از آنان را جمعیت جوان دانشجویی تشکیل می‌دهد. در خصوص جنسیت پاسخگویان، نتایج بیانگر آن است که اکثریت شرکت‌کنندگان را زنان تشکیل داده‌اند؛ به‌طوری‌که ۷۰.۸۰ درصد از پاسخگویان زن و ۲۹.۲ درصد مرد بوده‌اند. این نسبت، با توجه به ترکیب جمعیتی دانشگاه‌های شهرستان اهواز، نشان‌دهنده حضور فعال‌تر زنان در فضای دانشگاهی و مطالعات اجتماعی است. در بررسی ترکیب قومی پاسخگویان، داده‌ها نشان می‌دهد ۳۷.۵ درصد از شرکت‌کنندگان دارای قومیت عرب، ۲۵.۳ درصد بختیاری، ۳۰.۷ درصد فارس بومی منطقه و ۶.۵ درصد متعلق به سایر قومیت‌ها بوده‌اند. این ترکیب قومی، بازتابی از تنوع فرهنگی و اجتماعی شهرستان اهواز است که فرصت مطالعات بین‌فرهنگی در پژوهش را فراهم کرده است. در رابطه با وضعیت اشتغال پاسخگویان، یافته‌ها نشان می‌دهد ۶۵.۹ درصد از افراد مورد مطالعه در زمان اجرای پژوهش بیکار و ۳۴.۱ درصد شاغل بوده‌اند. این امر می‌تواند بیانگر وضعیت اقتصادی و اشتغال‌زایی پایین در میان جامعه دانشجویی شهرستان اهواز باشد. در زمینه سطح درآمد پاسخگویان، بررسی‌ها نشان می‌دهد ۱۹ درصد از شرکت‌کنندگان درآمدی تا سقف ۴ میلیون تومان دارند، ۹.۶ درصد بین ۴ تا ۷ میلیون تومان، ۲۴.۲ درصد بین ۷ تا ۱۰ میلیون تومان، ۲۴.۲ درصد بین ۱۰ تا ۱۳ میلیون تومان و نهایتاً ۲۲.۹ درصد دارای درآمد بیش از ۱۴ میلیون تومان هستند. توزیع درآمدی نشان می‌دهد که بیشتر افراد در دهک‌های میانی تا بالای درآمدی قرار دارند و وضعیت اقتصادی آن‌ها نسبتاً متعادل است.

در خصوص میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان، نتایج نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط به دانشجویان مقطع کارشناسی با ۵۸.۱ درصد بوده است، پس از آن دانشجویان کاردانی با ۲۵.۳ درصد، کارشناسی ارشد با ۱۱.۲ درصد و کمترین میزان مربوط به دانشجویان دوره دکتری با ۴.۷ درصد است. این ترکیب تحصیلی بیانگر آن است که عمده پاسخگویان در مرحله آموزش عالی و مقطع کارشناسی قرار دارند و درک مناسبی از مسائل سیاسی و اجتماعی دارا هستند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین سن افراد با ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی رابطه وجود دارد.

جدول ۱. آمار توصیفی ابعاد گرایش‌های سیاسی در بین سنین مختلف

متغیر	سن	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
اصلاح طلبی	۱۸-۲۲	۱۲۱	۲۴,۳۸	۶,۱۲
	۲۳-۲۷	۱۴۴	۲۶,۸۹	۵,۰۰
	۲۸-۳۲	۷۲	۲۳,۷۳	۴,۱۲۰
	۳۲ و بالاتر	۴۷	۲۷,۷۰	۳,۱۲
اعتدال گرایی	۱۸-۲۲	۱۲۱	۲۵,۴۹	۵,۱۰
	۲۳-۲۷	۱۴۴	۳۱,۹۲	۴,۴۱
	۲۸-۳۲	۷۲	۲۸,۶۴	۵,۱۱
	۳۲ و بالاتر	۴۷	۳۳,۷۳	۲,۰۳
اصول گرایی	۱۸-۲۲	۱۲۱	۳,۳۱	۵,۴۹
	۲۳-۲۷	۱۴۴	۲۲,۳۴	۴,۸۱
	۲۸-۳۲	۷۲	۳۷,۵۱	۵,۰۲
	۳۲ و بالاتر	۴۷	۲۳,۲۶	۳,۱۳

همانطور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد در ابعاد گرایش‌های سیاسی، بعد اصولگرایی دارای میزان گرایش بیشتری بخصوص در بین سنین ۲۸-۳۲ سال می‌باشد. اما میزان گرایش به اصلاح طلبی بخصوص در بین سنین ۲۸-۳۲ ساله از کمترین تعلق و گرایش در بین تمام گروه‌های سنی برخوردار می‌باشد.

جدول ۲. آزمون تفاوت میانگین مشارکت سیاسی بر حسب سن دانشجویان

متغیر	F	Sig.	t	Sig.
اصلاح طلبی	۱۲,۰۶	,۰۰۰۱	۱,۸۴	,۰۶۶
			۱,۱۰	,۱۴۱
اعتدال گرایی	۲۴,۲۸	,۰۰۵	-۱,۱	,۰۱۵۱
			-۱,۵۷۷	,۰۲۳۵
اصولگرایی	۱,۴۲۱	,۰۰۰۴۰	-۱,۲۴	,۰۴۱۲
			-۱,۱۲۸	,۰۸۱۸

جدول فوق نشان دهنده آزمون لون و تی برای ابعاد گرایش‌های سیاسی بر حسب سن دانشجویان است. برای بررسی تفاوت میانگین از آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده شد. به طور کلی آزمون t در سطح معنی داری ۰.۰۵ بیانگر تفاوت معنی دار در بین چهار گروه سنی یاد شده می‌باشد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون لون در ابعاد گرایش‌های اصلاح طلبی، اصولگرایی و اعتدال گرایی بالاتر از ۰.۰۵ بود، از فرض برابری واریانس‌ها برای آنها استفاده شد. با توجه به داده‌های جدول مشخص می‌شود که با توجه به عدم معنی داری آزمون تی در ابعاد گرایش‌های اصلاح طلبی، اصولگرایی و اعتدال گرایی، بنابراین تفاوت معنی داری در بین گروه‌های سنی سه گانه در این دو ابعاد وجود ندارد. با توجه به داده‌های جدول مشخص می‌شود که به علت عدم معنی داری آزمون تی در بعد گرایش‌های سیاسی سه گانه نیز تفاوت معناداری بین گروه‌های سه گانه سنی وجود ندارد. همچنین بر خلاف نظر نظریات آلموند و وربا (۱۹۶۳) گرایش‌های سیاسی در بین جوانان قویتر و منجر به مشارکت اجتماعی نمی‌گردد. از جمله دلایلی که برای این مسئله بیان شده، می‌توان به روز بودن و آگاهی سیاسی برای شهروندان، تهییج و تحرک پذیری سیاسی در تمامی سنین یاد کرد. بنابراین، نتایج این پژوهش نشان داد که در شهرستان اهواز بدین لحاظ (تعلق پذیری

طیف های سیاسی) تفاوت معنی داری در بین تمامی گروه های سنی چهار گانه وجود ندارد بنابراین. همسو با دیدگاه (کلنسر، ۲۰۰۷). سن ارتباط ضعیفی با گرایشات سیاسی دارد.

فرضیه دوم: ابعاد مختلف گرایشات سیاسی در بین مردان و زنان تفاوت دارد.

جدول ۳. آمار توصیفی ابعاد گرایشات سیاسی در بین مردان و زنان

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
اصلاح طلبی	مرد	۱۱۲	۲,۶۴	۱,۱۲
	زن	۳۷۳	۲,۲۵	۵,۴۱
اعتدال گرایی	مرد	۱۱۲	۲,۰۴	۴,۱۴
	زن	۳۷۳	۱,۴۴	۴,۸۰
اصولگرایی	مرد	۱۱۲	۱,۶۲	۱۲۳
	زن	۳۷۳	۱,۰۲	۱,۱۴

همانطور که نتایج جدول فوق نشان می دهد در ابعاد گرایشات سیاسی، اصلاح طلبی و اعتدال گرایی، میانگین گرایش سیاسی زنان نسبت به طیف سیاسی اصولگرایی بیشتر از مردان بوده است.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین گرایشات سیاسی بر حسب جنسیت پاسخگویان

متغیر	F	Sig.	t	Sig.
اصلاح طلبی	۴۲,۲۱۴	۰,۰۰۰	۴,۴۱۵	۰,۰۰۰
			۲,۲۳۷	۰,۰۰۰
اعتدال گرایی	۳۱,۱۴۵	۰,۰۰۰	-۰,۱۰۴	۰,۰۰۰
			۰,۱۲۸	۰,۰۰۰
اصولگرایی	۹,۰۱۲	,۰۰۱	۲,۴۱۱	۰,۰۰۱
			۳,۶۳۶	۰,۰۰

جدول فوق نشان دهنده آزمون لون و تی ابعاد گرایشات سیاسی بر حسب جنسیت پاسخگویان است. برای بررسی تفاوت میانگین از آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده شد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون لون در ابعاد سه گانه اصلاح طلبی، اعتدال گرایی و اصولگرایی کمتر از ۰.۰۵ بود، از فرض نابرابری واریانس ها برای آنها استفاده شد. با توجه به داده های جدول مشخص می شود با توجه به معنی داری آزمون تی در ابعاد اصلاح طلبی، اعتدال گرایی و اصولگرایی، بنابراین تفاوت معنی داری در بین مردان و زنان نسبت به گرایش در این ابعاد سه گانه وجود دارد. یافته های پژوهش نشان می دهد که میان مردان و زنان در بعد گرایشات سیاسی تفاوت معنی داری وجود دارد و میزان گرایشات سیاسی اصلاح طلبی و اعتدال گرایی در بین زنان بیشتر از مردان نسبت به طیف اصولگرایی است. در این راستا و بر خلاف مشاهدات لیپست معتقد است زنان عموماً کمتر نقش فعالی در سیاست ایفا کرده اند زیرا فعالیتشان بیشتر به امور خانه محدود شده است، حال آنکه مردان بیشتر فعال بوده اند چون از حمایت های جانبی زنان در زندگی برخوردار بوده اند. به نظر می رسد این نتایج با یافته های این پژوهش در تناقض می باشد. چراکه نتایج تحقیق بیانگر نقش فعال زنان در امور و گرایشات سیاسی است. احتمالاً علت این امر آن باشد که در ایران زنان به طور کلی اصلاح طلبانه تر از مردان هستند و بیشتر از مردان از سیاست های موجود انتقاد می کنند. حال پژوهش حاضر نشان می دهد که در بعد گرایشات سیاسی اصلاح طلبانه و اعتدال گرایی، میزان گرایش سیاسی زنان به شکلی معنادار بیش از مردان می باشد. همچنین تحقیقات موجود نشان می دهد که جنسیت بر روی گرایشات سیاسی تاثیر می گذارد. مثلاً، میچلتی (۲۰۰۴)، اعتقاد دارد که زنان نسبت به مردان فعالیت بیشتری در مسایل روز سیاسی دارند.

فرضیه سوم: میزان ابعاد مختلف گرایشات سیاسی در بین افراد بر حسب شاخص SES (شغل، تحصیلات و درآمد) تفاوت دارد.

جدول ۵. آمار توصیفی ابعاد گرایشات سیاسی بر حسب شاخص SES

متغیر	SES	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
اصلاح طلبی	تحصیلات	۳۸۴	۲۲,۱۴	۴,۴۶
	شغل	۳۸۴	۲۳,۱۲	۶,۷۱
	درآمد	۳۸۴	۱۹,۰۱	۳,۶۳
اعتدال گرایی	تحصیلات	۳۸۴	۱۹,۲۸	۴,۱۲۹
	شغل	۳۸۴	۲۰,۱۴	۴,۰۲
	درآمد	۳۸۴	۲۰,۷۱	۵,۱۵۶

اصول گرایی	تحصیلات	۳۸۴	۱۸,۳۱	۴,۴۰۰
شغل	۳۸۴	۱۶,۳۵	۵,۴۴۲	
درآمد	۳۸۴	۲۳,۴۹	۳,۲۹	

همانطور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد در ابعاد گرایش‌های سیاسی، میزان تحصیلات و میزان اشتغال پاسخگویان در طیف سیاسی اصلاح طلبی با میانگین ۲۲,۵۱ تاثیر گذار است. بنابراین ابعاد تحصیلات و اشتغال در زمینه گرایش‌های سیاسی در طیف سیاسی اصلاح طلبی نسبت به دو طیف دیگر از وضعیت و میانگین بیشتری برخوردار است. در بعد درآمد، میزان گرایش سیاسی در بین طیف اصولگرایی گرای بیشتر از دو طیف دیگر می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان گرایش سیاسی افراد بر حسب سطح درآمد در گرایش سیاسی اصولگرایی در مقایسه با گرایش‌های سیاسی اصلاح طلبی و اعتدال گرایی بیشتر است.

جدول ۶. آزمون تفاوت میانگین گرایش‌های سیاسی بر حسب شاخص SES

متغیر	شاخص SES	F	Sig.	t	Sig.
اصلاح طلبی	فرض برابری واریانس‌ها	۴۵,۱۳	,۳۱۲	-۵,۱۱۰	,۰۰۰
	فرض نابرابری واریانس‌ها			۲,۷۱۲	,۰۰۰
اعتدال گرایی	فرض برابری واریانس‌ها	۲۱,۴۲	,۰۴۱۲	۴,۳۸	,۰۰۰۰
	فرض نابرابری واریانس‌ها			۲۱,۶۱۲	,۰۰۰۰
اصولگرایی	فرض برابری واریانس‌ها	۱۰,۷۱۲	,۰۲۱۴	۱۱,۱۲۴	,۰۰۰۰
	فرض نابرابری واریانس‌ها			۳۲,۰۴۰	,۰۰۰۰

جدول فوق به بررسی تاثیر شاخص SES در سه سطح تحصیلات، درآمد و اشتغال بر میزان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی در بین شهروندان شهرستان اهواز می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مقدار آزمون فیشر با توجه به بزرگتر بودن سطح معناداری اول از مقدار ۰,۰۵ در تمامی طیف‌های سه گانه، فرض برابری واریانس برای هر سه گرایش سیاسی انتخاب و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بنابراین در ابعاد اصلاح طلبی، اصولگرایی و اعتدال گرایی معنی‌دار است و یکسان بودن میانگین نمره این سه گرایش سیاسی در بین سطوح مختلف شاخص SES به لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار می‌باشد. بنابراین، طبق نظر کانوی (۲۰۰۰) سطح درآمد متغیر مهمی از پایگاه اجتماعی و اقتصادی است در جدول ابعاد توصیفی شاخص SES کاملاً مشهود است. بنابراین، شهروندانی که سطح درآمد بالاتری دارند، ممکن است گرایش بیشتری به فعالیتهای سیاسی داشته باشند. بنابراین سطح درآمد، تحصیلات و شغل، مجموعاً در سه طیف اصلاح طلبی، اصولگرایی و اعتدال گرایی تاثیر گذار است. بنابراین، افراد با تاثیر و تاثیر از این شاخص SES با گرایش‌های سیاسی سه گانه مشارکت سیاسی خواهند داشت.

در این خصوص، کانوی (۲۰۰۰)، اعتقاد دارد که پایگاه اجتماعی- اقتصادی (SES)، متغیر مهمی در تبیین فعالیت‌های روز سیاسی به شمار می‌رود، چون شهروندانی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار هستند احتمالاً بیش از دیگران گرایش به شرکت در فعالیتهای سیاسی خواهند داشت. شهروندانی که از تحصیلات بالایی برخوردارند احتمالاً در مورد فعالیتهای سیاسی اطلاعات دقیق‌تری دارند و با این دیدگاه بر فعالیتهای سیاسی تاثیر گذاری بیشتری خواهند داشت. نیک بخش و همکاران (۱۳۹۹)، نیز اعتقاد دارد که گرایش بسوی حزب دموکراتیک در استان‌های ثروتمندتر قویتر است.

فرضیه چهارم: میزان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی در بین قومیت‌های مختلف تفاوت دارد.

جدول ۷. آمار توصیفی میزان ابعاد گرایش‌های سیاسی در بین قومیت‌های مختلف

متغیر	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
اصلاح طلبی	عرب	۱۴۴	۱۹,۸۰	۴,۱۴۲
	بختیاری	۶۶۳۹۷	۲۴,۱۲	۶,۲۵۳
	فارس بومی	۱۱۸	۲۰,۷۵	۴,۸۵۱
	سایر	۲۵	۱۹,۹۸	۳,۲۳۹
اعتدال گرایی	عرب	۱۴۴	۲۰,۱۲	۲,۷۴۲
	بختیاری	۶۶۳۹۷	۲۱,۷۸	۲,۲۱۶
	فارس بومی	۱۱۸	۲۳,۱۵۲	۳,۴۱۲
	سایر	۲۵	۱۹,۲۱	۵,۴۲۹
اصول گرایی	عرب	۱۴۴	۲۴,۸۹	۵,۷۱۳
	بختیاری	۶۶۳۹۷	۱۹,۸۰	۴,۳۱۶

فارس بومی	۱۱۸	۲۰,۰۱	۴,۱۲۶
سایر	۲۵	۲۰,۲۰۲	۶,۴۱۶

همانطور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد در بعد گرایش اصلاح طلبی، بختیای ها بالاترین میانگین و گزینه قومیت عرب کمترین میزان را دارا بودند. در بعد گرایش اعتدال گرایی فارس های بومی بالاترین میانگین و گزینه سایر کمترین میزان را دارا بودند. در بعد گرایش اصولگرایی عرب ها بالاترین میانگین و گزینه فارس های بومی کمترین میزان را دارا بودند.

جدول ۸. آزمون تفاوت میزان ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در بین قومیت‌های مختلف

متغیر	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	F	معنی داری
اصلاح طلبی	بین گروهی	۱۷۲۸,۹۷	۵۷۶,۳۲	۱۹,۸۳
	درون گروهی	۵۵۶۸۲,۴۰	۲۹,۰۶	۰,۰۰۰۵
اعتدال گرایی	بین گروهی	۱۰۸۰,۳۵	۳۶۰,۱۱	۱۳,۵۱
	درون گروهی	۵۱۰۶۳,۱۶	۲۶,۶۵	۰,۰۰۰۴
اصولگرایی	بین گروهی	۱۵۲۵,۵۳	۵۰۸,۵۱۲	۱۷,۱۲
	درون گروهی	۵۴۶۵۲,۳۴	۲۸,۵۲۴	۰,۰۰۰۵

جدول فوق به بررسی تاثیر قومیت بر میزان ابعاد مختلف گرایشات سیاسی سه گانه در بین شهروندان شهرستان اهواز می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مقدار آزمون فیشر (F) در تمامی ابعاد گرایشات سیاسی معنی دار است و بنابراین تفاوت میانگین نمره هر سه گرایش سیاسی اصلاح طلبی، اصولگرایی و اعتدال گرایی در بین قومیت‌های مختلف به لحاظ آماری معنی دار می‌باشد و بدین ترتیب در بعد گرایش سیاسی اصلاح طلبی، شهروندان بختیاری زبان دارای بیشترین و شهروندان عرب دارای کمترین میزان گرایش اصلاح طلبی هستند. از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در ابعاد گرایش اصولگرایی، شهروندان عرب دارای بیشترین میزان گرایش سیاسی در این زمینه هستند. همچنین در بعد سیاسی اعتدال گرایی شهروندان فارس بومی دارای بیشترین میزان گرایش نسبت به قومیت های دیگر در شهرستان اهواز بودند. این موضوع خود بیانگر این مطلب است که در دوره مدرن امروزی، وجود شهروندان اقلیت قومی، زبانی در سطوح مختلف محلی و بین المللی با حضور پررنگ سیاسی خود، هویت سیاسی مدرن را در زمینه تهییج سیاسی جایگزین فعالیتهای سیاسی سنتی نمایند. این امر نشان می‌دهد که پیدایش گروه‌های اقلیت قومی در سطوح گوناگون اقتدار سنتی دولت‌ها را به چالش کشیده و موجبات تغییر در گرایشات سیاسی را فراهم گردانیده است. بطوری این گروه‌های قومی سعی دارند تا از طریق نشان دادن علقه های سیاسی و فعالیتهای اجتماعی به دنبال نشان دادن هویت فردی خودشان باشند. در همین راستا تیلی (۲۰۱۳) رابطه میان متغیرهای قومیت و اقتدارگرایی را مثبت ارزیابی کردند.

فرضیه پنجم: ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در بین افراد بر حسب سطح تحصیلات آنان تفاوت دارد.

جدول ۹. آمار توصیفی میزان ابعاد گرایشات سیاسی بر حسب سطح تحصیلات

متغیر	سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
اصلاح طلبی	دانشجوی کاردانی	۹۷	۲۱,۰۹	۶,۱۹
	دانشجوی کارشناسی	۲۲۳	۲۲,۹۶	۴,۵۶
	دانشجوی کارشناسی ارشد	۴۳	۲۰,۷۸	۳,۴۵
	دانشجوی دکتری	۱۸	۱۹,۴۱	۵,۴۱
	سایر	۳	۱۹,۰۹	۳,۵۲
اعتدال گرایی	دانشجوی کاردانی	۹۷	۲۱,۱۶	۶,۷۵
	دانشجوی کارشناسی	۲۲۳	۲۱,۰۱	۳,۵۱
	دانشجوی کارشناسی ارشد	۴۳	۲۳,۹۱	۹,۲۱
	دانشجوی دکتری	۱۸	۲۱,۸۹	۵,۱۲
	سایر	۳	۱۹,۱۹	۵,۷۰
اصول گرایی	دانشجوی کاردانی	۹۷	۲۱,۰۱	۷,۴۳
	دانشجوی کارشناسی	۲۲۳	۲۱,۷۴	۵,۰۰
	دانشجوی کارشناسی ارشد	۴۳	۲۲,۱۸	۸,۵۸

دانشجوی دکتری	۱۸	۲۵,۱۷	۷,۱۸
سایر	۳	۲۰,۲۹	۷,۳۸

همانطور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد در بعد گرایش اصلاح طلبی، دانشجویان مقطع کارشناسی بیشترین گرایش سیاسی را نسبت به طیف سیاسی اصلاح طلبی از خود نشان دادند. همچنین در بعد سیاسی اعتدال گرایی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد گرایش سیاسی بیشتری نسبت به طیف سیاسی اعتدال گرایی نشان دادند. در خصوص طیف سیاسی اصولگرایی نیز می‌توان بیان کرد که دانشجویان مقطع دکتری دارای بیشترین گرایش سیاسی در این زمینه نسبت به دانشجویان سایر مقاطع بوده‌اند.

جدول ۱۰. آزمون تفاوت میزان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی بر حسب سطح تحصیلات

متغیر	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	F	معنی‌داری
اصلاح طلبی	بین گروهی	۴۱۵۲,۰۲	۴۵,۱۶	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۲۱۲۳,۱۲		
اعتدال گرایی	بین گروهی	۴۵۱۹,۰۶	۱۶,۶۶	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۶۴۱۵,۰۱۵		
اصولگرایی	بین گروهی	۳۱۶۸,۴۵	۱۲,۸۶	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۲۵۱۴,۹۶		

جدول فوق به بررسی تاثیر سطح تحصیلات بر میزان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی در بین شهروندان اهواز می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مقدار آزمون فیشر (F) در تمامی ابعاد گرایش‌های سیاسی معنی‌دار است و بنابراین تفاوت میانگین نمره در سه گرایش سیاسی بر حسب سطح تحصیلات آنان به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد و بدین ترتیب در بعد گرایش‌های سیاسی اصلاح طلبی دانشجویان مقطع کارشناسی دارای بیشترین و دانشجویان دکتری کمترین میانگین را دارا بودند. در بعد گرایش اعتدال گرایی دانشجویان مقطع ارشد بالاترین میانگین و دانشجویان کارشناسی کمترین میزان برخوردار بودند. در بعد گرایش اصولگرایی نیز دانشجویان مقطع دکتری بالاترین میانگین را دارا بودند. در مجموع یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین وضعیت تحصیلات با گرایش سیاسی سه گانه رابطه معناداری وجود دارد. مطابق با دیدگاه (راش، ۱۳۷۷)، سطح تحصیلات مهم است، از این نظر که متغیر مذکور ممکن است ضمن خلق رقابت سیاسی و مدنی تعلقات سیاسی را کم و زیاد نماید.

۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر گرایش‌های سیاسی دانشجویان طی سال‌های ۱۳۹۶ لغایت ۱۴۰۰ (مطالعه موردی شهرستان اهواز) بود. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر گرایش‌های سیاسی دانشجویان در شهرستان اهواز طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ انجام شد. در این پژوهش تلاش شد تا نقش متغیرهایی چون سن، جنسیت، قومیت، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات و درآمد در شکل‌گیری سه طیف اصلی گرایش سیاسی یعنی اصلاح طلبی، اعتدال گرایی و اصول گرایی تحلیل شود. یافته‌های توصیفی نشان دادند که جامعه دانشجویی مورد مطالعه ترکیبی متنوع از نظر سن، جنسیت، قومیت، وضعیت اقتصادی و سطح تحصیلات بوده است. میانگین سنی نزدیک به ۳۰ سال، سهم قابل توجه زنان (بیش از ۷۰ درصد)، و ترکیب قومی متشکل از عرب، بختیاری، فارس بومی و سایر اقوام، تصویر دقیقی از تنوع جمعیت شناختی دانشجویان ارائه می‌کند. همچنین توزیع اشتغال، درآمد و تحصیلات نیز گویای وجود تفاوت‌های معنادار در پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان بود.

نتایج آزمون فرضیه‌ها بیانگر آن بود که سن با وجود نشان دادن برخی الگوهای توصیفی (افزایش اصول گرایی در گروه سنی ۲۸ تا ۳۲ سال)، از نظر آماری رابطه معناداری با گرایش‌های سیاسی نداشت؛ نتیجه‌ای که با دیدگاه کلنسر (۲۰۰۷) و نیز یافته‌های کلاسیک آلموند و وربا همسو است. در مقابل، جنسیت از جمله متغیرهایی بود که تأثیر معنادار بر گرایش‌های سیاسی نشان داد و زنان تمایل بیشتری به اصلاح طلبی و اعتدال گرایی داشتند. این یافته، برخلاف برخی دیدگاه‌های سنتی درباره مشارکت کمتر زنان، با ادبیات جدید مشارکت سیاسی زنان همخوانی دارد.

از سوی دیگر، آزمون مربوط به متغیرهای اجتماعی-اقتصادی (SES) نشان داد که این شاخص از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های گرایش‌های سیاسی دانشجویان است. سطح درآمد، اشتغال و تحصیلات هر سه به‌طور معنادار بر هر سه طیف سیاسی تأثیرگذار بودند. درآمدهای بالاتر بیش از همه با گرایش اصول گرایی همراه بود، در حالی که تحصیلات و اشتغال بیشتر به‌طور مستقیم با افزایش تمایل به اصلاح طلبی ارتباط داشتند. این یافته‌ها با دیدگاه کانوی (۲۰۰۰) و نیک‌بخش و همکاران (۱۳۹۹) درباره ارتباط پایگاه اجتماعی-اقتصادی با کنش و نگرش سیاسی تطابق دارد.

در تحلیل نقش قومیت نیز نتایج نشان داد که تفاوت‌های قابل توجه و معناداری میان اقوام مختلف وجود دارد. بختیاری‌ها بیشترین گرایش به اصلاح‌طلبی، فارس‌های بومی بیشترین گرایش به اعتدال‌گرایی و عرب‌ها بیشترین گرایش به اصول‌گرایی را نشان دادند. این الگو با نظریه تیلی (۲۰۱۳) در خصوص ارتباط قومیت و اقتدارگرایی همخوان است و تأکید می‌کند که هویت‌های قومی مدرن می‌توانند به شکلی فعال در شکل‌گیری ترجیحات سیاسی نقش ایفا کنند.

در نهایت، بررسی سطح تحصیلات نیز رابطه روشن و معناداری را با گرایش‌های سیاسی نشان داد. دانشجویان کارشناسی بیشترین تمایل به اصلاح‌طلبی، دانشجویان کارشناسی ارشد بیشترین تمایل به اعتدال‌گرایی، و دانشجویان دکتری بیشترین تمایل به اصول‌گرایی داشتند. این یافته همسو با دیدگاه راش (۱۳۷۷) است که تحصیلات بالاتر را از عوامل کلیدی در شکل‌گیری آگاهی سیاسی و تفاوت در جهت‌گیری‌های سیاسی می‌داند.

در مجموع، نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که گرایش‌های سیاسی دانشجویان در شهرستان اهواز، بیش از آنکه تحت تأثیر سن باشد، تحت تأثیر ترکیبی از عوامل اجتماعی-اقتصادی، جنسیتی، قومی و تحصیلی قرار دارد. این موضوع نشان می‌دهد که سیاست‌ورزی دانشجویان پدیده‌ای چندبعدی است و برای تحلیل آن باید مجموعه‌ای از مؤلفه‌های ساختاری و فرهنگی را در نظر گرفت. افزون بر این، تنوع جمعیت‌شناختی در جامعه دانشجویی این منطقه، زمینه را برای شکل‌گیری الگوهای متفاوت و پیچیده‌ای از گرایش‌های سیاسی فراهم می‌کند که درک آن برای برنامه‌ریزان علمی، نهادهای دانشگاهی و تحلیلگران اجتماعی اهمیت دارد.

۱-۵. محدودیت‌های پژوهش

عدم تعادل جنسیتی نمونه: غلبه زنان در نمونه (۷۰.۸٪) ممکن است یافته‌های مربوط به گرایش‌های سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد، زیرا مطالعات نشان می‌دهند اولویت‌های سیاسی زنان و مردان ممکن است متفاوت باشد. کم‌بودن حجم گروه‌های خاص: سهم پایین دانشجویان تحصیلات تکمیلی (۱۵.۹٪) و عدم تفکیک گروه "سایر قومیت‌ها" (۶.۵٪) امکان تحلیل دقیق تأثیر سطح تحصیلات و تنوع قومی را محدود کرده است. ابزار اندازه‌گیری: برخی متغیرها (مانند "نگرش به قومیت") با نمره پایین (۹.۳۷ از ۱۶) اندازه‌گیری شدند که ممکن است نشان‌دهنده ضعف در روایی سؤالات یا پیچیدگی ذاتی سازه باشد. تمرکز جغرافیایی: مطالعه فقط بر دانشجویان اهواز متمرکز بود که با وجود تنوع قومی بالا، تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق ایران (به‌ویژه مراکز غیرمرزی) را با چالش مواجه می‌کند. جانب‌داری زمانی: داده‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۴۰۰ جمع‌آوری شده‌اند که همزمان با تحولات سیاسی خاص ایران است. این امر ممکن است بر پاسخ‌ها تأثیر گذاشته باشد. تبیین محدود واریانس: سبک زندگی تنها ۲۷٪ از واریانس گرایش‌های سیاسی را تبیین می‌کند که نشان‌دهنده نقش مهم متغیرهای بررسی‌نشده (مانند رسانه‌ها، خانواده یا رویدادهای کلان سیاسی) است.

۲-۵. پیشنهادات پژوهش

۱- با توجه جوانی جمعیت مورد مطالعه (میانگین سنی ۲۹.۵ سال) همراه با بیکاری ۶۵.۹٪، پیشنهاد می‌شود به بررسی نقش محرومیت نسبی در شکل‌گیری کنش‌های سیاسی نوین (اعتراضات مجازی، جنبش‌های خودجوش) در نسل جوان با روش ترکیبی پیمایش و مصاحبه عمیق پرداخته شود.

۲- با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر تنش قومی (نمره پایین نگرش به قومیت: ۱۶/۹.۳۷) در ترکیب چندقومیتی (عرب ۳۷.۵٪، بختیاری ۲۵.۳٪، فارس ۳۰.۷٪)، پیشنهاد می‌شود به واکاوی نقش رسانه‌های محلی در تشدید یا کاهش تنش‌های قومی با روش تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته شود.

۳- با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر جوانی جمعیت + بیکاری ۶۵.۹٪، پیشنهاد می‌شود، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان با همکاری مرکز آمار ایران، سامانه پایش محرومیت نسبی جوانان را طراحی کند تا سیاست‌های اشتغال و مهارت‌آموزی مبتنی بر داده‌های واقعی تنظیم شود.

۴- با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر تنش قومی در ترکیب چندقومیتی، پیشنهاد می‌شود، استانداری خوزستان با مشارکت شورای فرهنگ عمومی، کمپین‌های رسانه‌ای برای تقویت گفت‌وگوی بین‌قومی طراحی کند.

۶. منابع

۱. ابادری، یوسف و چاوشیان، حسین. (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، ۲۰.
۲. راش، مایکل. (۱۳۷۴). جامعه و سیاست. ترجمه ی صبور، منوچهر. تهران، انتشارات سمت.
۳. ربانی، رسول (۱۳۸۵). جامعه شناسی شهری، با همکاری فریدون وحید، چ ۲، اصفهان: دانشگاه اصفهان با همکاری سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۴. ریتز، جورج. (۱۳۸۰). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه ی ثلاثی، محسن. تهران، علمی.
۵. ساعی، علی و کریمی، زهیر. (۱۳۹۱). تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا. مجله جامعه شناسی ایران. دوره ۱۳، شماره ۱۴، ۱۱۶-۱۴۸.
۶. صبور، منوچهر. (۱۳۸۱). جامعه شناسی سیاسی. تهران، نشر سخن.
۷. عالمی، عبدالرحمن. (۱۳۷۹). بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۴۸، ۱۱۵-۱۵۵.
۸. عزیزاده، محمدباقر (۱۳۸۸). مطالعه سبک زندگی سلامت محور شهروندان: امید ها و بیم ها (مطالعه موردی شهر تبریز). پایان نامه دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۹. غفاری هاشجین، زاهد؛ بیگی نیا، عبد الرضا و تصمیم قطعی، اکرم. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران، دانش سیاسی، ۶، ۲.
۱۰. فیروزجانیان، علی اصغر و جهانگیری، جهانگیر. (۱۳۸۷). تحلیل جامعه شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان، نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران، علوم اجتماعی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، ۵، (۱).
۱۱. قاضی رهبر، محمود. امام جمعه زاده، سید جواد. هرسیج، حسین و حاتمی، عباس. (۱۳۹۳). تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی اصفهان، هنر اصفهان و علوم پزشکی اصفهان در سال تحصیلی (۱۳۹۳-۱۳۹۲). پایان‌نامه‌ی دکتری رشته‌ی علوم سیاسی. دانشگاه اصفهان دانشکده علوم اداری گروه علوم سیاسی.
۱۲. مارش، دیوید و جری استوکر. (۱۳۸۴). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه ی حاجی یوسفی، امیر محمد. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. محمدتقی، پوریان. (۱۳۹۶). نقد نظریه انتخاب عقلانی در تصمیم گیری راهبردهای سیاسی. پژوهش های راهبردی سیاست. ۶، ۲۳ (پیاپی ۵۳)، ۲۲۷-۲۰۹.
۱۴. مردیها، سید مرتضی. (۱۳۸۱). گرایش‌های سیاسی و دینی در دنیای امروز. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۲، (۱۵).
۱۵. مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۸۷). مفهوم سبک زندگی و گستره ی آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، بهار ۱۳۸۷، شماره اول.
۱۶. همزاده، مهدی (۱۳۹۰). آسیب شناسی سبک زندگی جوانان انقلابی: دانشجویان نظام رشد جامع ندارند. زمانه ۲۱ (۱)، ۴۴-۴۲.
۱۷. هولاب، رابرت. (۱۳۹۱). نقد در حوزه عمومی هابرماس. ترجمه ی بشیریه، حسین. تهران، نشرنی.

18. Anderson, C. J., & Paskeviciute, A. (2006). How ethnic and linguistic heterogeneity influence the prospects for civil society: A comparative study of citizenship behavior. *The Journal of Politics*, 68(4), 783-802. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2508.2006.00470.x>
19. Dalton, R. J. (2014). *Citizen politics: Public opinion and political parties in advanced industrial democracies* (6th ed.). CQ Press.
20. DeLaune, S. C., & Ladner, P. K. (2002). *Fundamentals of nursing: Standards & practice* (2nd ed.). Delmar Thomson Learning.
21. Featherstone, M. (1991). *Consumer culture and postmodernism*. SAGE Publications.
22. Fung, A. (2003). Survey article: Recipes for public spheres: Eight institutional design choices and their consequences. *The Journal of Political Philosophy*, 11(3), 338-367. <https://doi.org/10.1111/1467-9760.00181>
23. Giddens, A. (1996). *In defence of sociology: Essays, interpretations and rejoinders*. Polity Press.

24. Glock, C. Y., & Bellah, R. N. (Eds.). (1976). *The new religious consciousness*. University of California Press.
25. Hoffman, M., & Dowd, R. (2009, April 4). *Religion, gender, and political participation in Africa: Lessons from Nigeria, Senegal and Uganda* [Conference paper]. Annual Meeting of the Midwest Political Science Association, Chicago, IL, United States.
26. Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). *Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511790881>
27. Iyengar, S., & Westwood, S. J. (2015). Fear and loathing across party lines: New evidence on group polarization. *American Journal of Political Science*, 59(3), 690–707. <https://doi.org/10.1111/ajps.12152>
28. Jacoby, W. G. (2006). Value choices and American public opinion. *American Journal of Political Science*, 50(3), 706–723. <https://doi.org/10.1111/j.1540-5907.2006.00211.x>
29. Jha, A., Boudreaux, C. J., & Banerjee, V. (2018). Political leanings and social capital. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 72, 95–105. <https://doi.org/10.1016/j.soccec.2017.11.008>
30. Kotler, P., & Keller, K. L. (2006). *Marketing management* (12th ed.). Pearson Prentice Hall.
31. Leslie, G. R., Larson, R. F., & Gorman, B. L. (1980). *Introductory sociology: Order and change in society* (3rd ed.). Oxford University Press.
32. Milbrath, L. W. (1981). Political participation. In S. L. Long (Ed.), *The handbook of political behavior* (Vol. 4, pp. 197–240). Plenum Press. https://doi.org/10.1007/978-1-4684-3878-9_4